پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، صص ۲۶ – ۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۱۰۱

جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان در دوره پساداعش

فرزاد نویدی نیا[۱]
مهناز گودرزی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۱ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳**

چکیده

بحران شکل‌گیری و گسترش گروه‌های تروریستی یکی از مهم‌ترین تحولاتی است که طی یک دهه اخیر منطقه خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده است. در بین این گروه‌ها، دولت اسلامی عراق و شام (داعش) مهم‌ترین گروه تروریستی است که طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ م بخش عمده‌ای از قلمرو ارضی دو کشور عراق و سوریه را در اختیار گرفت. بر این اساس دولت‌های این منطقه نیز رویکردهای مختلفی را در قبال داعش دنبال نمودند. در شرایط کنونی با سقوط داعش هدف اصلی این مقاله بررسی جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان در دوره پساداعش است. چارچوب نظری مقاله بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی است که با روش توصیفی–تحلیلی سعی در بررسی موضوع دارد. سؤال اصلی پژوهش این است که سقوط داعش چه تاثیری بر جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان داشته و مهم‌ترین الزامات دو کشور در شرایط پس از سقوط داعش چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دو رویکرد عمده همکاری و تشدید منازعه را می‌توان در روابط ایران و عربستان در نظر گرفت. هر چند تقویت احتمال همکاری و تعامل دو کشور در این دوره اندک است اما در شرایط تشدید منازعه دو طرف بوسیله راهبردهای مختلف سعی در تقویت قدرت خود برمی‌آیند..

واژه‌های کلیدی: ایران، عربستان، جایگاه منطقه‌ای، دوره پساداعش، همکاری، رقابت.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی ،واحد اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران
Farzad.navid@gmail.com

۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
M.goodarzi@khuisf.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

مقدمه

منطقه خاورمیانه از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیک و مرکز ثقل ژئواکونومی دنیا محسوب می‌شود و طی دهه‌های اخیر تحولات مختلفی را تجربه کرده است. این تحولات علاوه بر تغییرات کلی شکلی و ماهوی در این منطقه، روابط بازیگران با یکدیگر را نیز تحت تأثیر قرار داده است. یکی از ویژگی‌های اصلی خاورمیانه از آغاز قرن جدید تاکنون، بی‌ثباتی و سیالیت تحولات است. گسترش بی‌ثباتی در این منطقه علاوه بر دخالت مستقیم قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون آمریکا و نیز ناکارآمی دولت‌های شکننده‌ای همچون عراق و سوریه، ناشی از گسترش افراط‌گرایی و تروریسم در این منطقه است. تروریسم به معنی رفتارهای خشونت‌آمیز و سازمان‌یافته برای دستیابی به اهداف، بیش از همه با تشکیل گروه تروریستی داعش و تسلط آن بر مناطق عمده‌ای در سوریه و شمال غرب عراق بین سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۴ م خود را نشان داده است. داعش علاوه بر ایجاد مشکلات متعدد برای کشورهای درگیر، روابط و جایگاه بازیگران عمده این منطقه همچون عربستان و ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

ایران و عربستان هم از لحاظ ثقل جغرافیایی و هم از لحاظ هویتی بازیگران کلیدی در خاورمیانه محسوب می‌شوند و رقابت این دو کشور چه از لحاظ سیاسی- امنیتی و چه اقتصادی - ایدئولوژیکی در زیرسیستم‌های خلیج فارس، شبه‌جزیره عربستان، شامات و شمال آفریقا تا مصر با تاثیرات قابل توجهی همراه است. نگاهی به روابط تهران و ریاض به ویژه طی دو دهه اخیر نشان می‌هد که چینش تحولات در سطح منطقه‌ای مهم‌ترین متغیر در همگرایی و واگرایی دو کشور در خاورمیانه بوده است. در این چارچوب به نظر می‌رسد که متغیرهایی نظیر نقش ایدئولوژی، رقابت‌های فزاینده و رو به گسترش ژئوپلیتیک در کنار بکارگیری سیاست اتحاد و ائتلاف، ایران و عربستان را به رقبای طبیعی یکدیگر تبدیل کرده است.

روابط ایران و عربستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بیشتر در مسیر واگرایی قرار گرفته است. عربستان همگام با آمریکا راهبردهای متنوعی را برای مهار ایران در دستور کار قرار داد که اصلی‌ترین آنها را حمایت‌های مستقیم این کشور از عراق در حمله به ایران و آغاز رویکرد ائتلاف‌سازی این کشور در قالب تأسیس شورای همکاری خلیج فارس برای مقابله با ایران تشکیل می‌دهد. راهبرد اصلی ریاض علیه ایران از ابتدای دهه ۱۹۹۰ م تا سال ۲۰۰۵ م را

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

انزوای ایران در چارچوب عدم بکارگیری این کشور در سازوکارهای منطقه‌ای بود. مشخصه اصلی روابط دو کشور طی سال‌های ۲۰۰۵ م همزمان با تحولات عراق تا ۲۰۱۱ م، گسترش وجه ایدئولوژیک و رقابت برای افزایش قلمرو ژئوپلیتیکی در خاورمیانه بوده است.

با این وجود، رقابت تهران و ریاض از سال ۲۰۱۱ م و در قالب تحولات موسوم به بیداری اسلامی یا بهار عربی در سراسر منطقه خاورمیانه گسترش یافته و جای خود را به منازعه بین دو کشور داده است. از این گذشته با به قدرت رسیدن حاکمان جدید در عربستان از سال ۲۰۱۵ م و تهاجمی شدن سیاست خارجی این کشور در سطح منطقه‌ای، کشمکش‌های سیاسی برای گسترش سطح نفوذ و رهبری منطقه‌ای بین دو کشور در حد بالایی افزایش یافته است. به عبارت دیگر، جمع بین تضاد ایدئولوژیک (در قالب شیعه- سنی)، رقابت‌های ژئوپلیتیک (تلاش برای افزایش قلمرو ژئوپلیتیک) به همراه تنش‌های موجود در سطح ساختاری نظام بین‌الملل، روابط دو کشور از فضای رقابتی به منازعه ارتقاء بخشیده است.

هدف اصلی در این پژوهش بررسی شکل‌گیری و افول داعش و تأثیر آن در روابط ایران و عربستان است. تشکیل داعش و گسترش فعالیت‌های این گروه نقش بارزی در امنیتی شدن رویکرد بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران و عربستان داشته است. در درون این فضای امنیتی هر یک از بازیگران منطقه‌ای تلاش کرده است تا از تمامی ابزارهای سیاست خارجی برای صعود در هرم قدرت منطقه‌ای استفاده نماید. علاوه بر این باید به این نکته توجه نمود که شرایط منطقه‌ای در فضای قبل از برآمدن داعش حاکی از افزایش قدرت منطقه‌ای ایران و ناکامی عربستان سعوی در رویکردهای منطقه‌ای بوده است. در مورد روابط ایران و عربستان آثار متعددی منتشر شده است که در برخی از آنها به دوره شکل‌گیری و افول داعش اشاره شده است. از جمله:

- رحمدل، سیمبر و جانسیز (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل ساختارگرایانه منازعه ایران- عربستان» معتقدند با توجه به اینکه ایران و عربستان به لحاظ هویتی دارای زمینه های منازعه تاریخی هستند، منازعات رنگ و بوی فرقه ای به خود گرفته است. از این منظر، گسل های ساختی نیز در شکل منازعه ایدئولوژیکی پدیدار شده زیرا جدال هویتی نه به یک علت بلکه نوعی پیامد است که در شکل نبرد فرقه ای بازنمایی شده است.

- حق‌پرست (۱۳۹۵)، در کتاب «داعش و چالش‌های تروریستی در خاورمیانه» ضمن

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

اشاره به مبانی ایدئولوژیک جریان سلفی‌گری، خشونت‌های فرقه‌ای، طبقه‌بندی خشونت در جنبش‌های اسلامی، یکی از زمینه‌های گسترش این گروه تروریستی را در قالب رقابت‌های منطقه‌ای عربستان علیه ایران بررسی کرده است.

– شکوهی (۱۳۹۵)، در مقاله «نقش برداشت‌های نخبگان در تنش میان روابط ایران و عربستان سعودی» ضمن تاکید بر عوامل ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیک، عامل برداشت نخبگان دو کشور و نقش آنها در تشدید تنش‌ها را بارز می‌داند.

– رستمی، فرجی‌راد و سرور (۱۳۹۵) در مقاله «سناریوهای محتمل در آینده‌پژوهی روابط خارجی ایران وعربستان سعودی مبتنی بر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه عربی» در پی آینده‌پژوهی روابط ایران و عربستان مبتنی تحولات منطقه عربی هستند. از نظر این پژوهش دورنمای روشنی در روابط دو کشور دیده نمی‌شود.

چنانچه دیده می‌شود در اغلب این آثار به رقابت‌های ایران و عربستان در قالب موازنه قوای حاکم بر منطقه توجه شده و کمتر به جایگاه منطقه‌ای دو کشور در دوره پساداعش توجه شده است. در همین چارچوب پژوهش حاضر این سؤال را مطرح می‌کند که جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان در دوره پساداعش چگونه است و چگونه می‌توان آن را تبیین نمود؟ این مقاله با استفاده از نظریه واقع‌گرایی سعی در تبیین این موضوع دارد.

چارچوب نظری(واقع گرایی)

نظریه واقع‌گرایی عملاً محور بسیاری از موضوعات روابط بین‌الملل است و با مبناقراردادن خصوصیات ثابت کشورها سیاست بین‌الملل را تبیین می‌کند. تبیین واقع‌گرایانه از سیاست خارجی عمدتاً قدرت‌محور است. هانس مورگنتا[1] در کتاب «سیاست میان ملت‌ها»، مهم‌ترین هدف سیاست خارجی دولت را کسب حداکثر قدرت و گسترش آن می‌داند (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۷۸). این موضوع اصل محوری موازنه قدرت را مطرح می‌کند که مبتنی بر رفتار دولت‌ها در رویارویی با قدرت برهم‌زننده تعادل است (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۶۷).

واقع‌گرایی بدلیل کم‌توجهی به موضوع ساختار نظام بین‌الملل، در دهه ۱۹۷۰ در قالب نوواقع‌گرایی و از سوی کنت والتز[2] تحول یافت. نوواقع‌گرایی استدلال می‌کند که سیاست

1. Hans Morgentaw
2. Kenneth Waltz

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

بین‌الملل را می‌توان به صورت نظامی دارای ساختار دقیق و مشخص تعریف کرد. از نظر والتز ساختار نظام بین‌الملل متشکل از واحدهای متعامل با قواعد رفتاری معینی است که به رفتار واحدها شکل می‌دهد. ساختار نظام بین‌الملل به وسیله اصل نظام‌بخش و توزیع مقدورات بین واحدها تعریف می‌شود. اصل نظام‌بخش ساختار نظام بین‌الملل، آنارشی است (والتز[1]، ۱۹۷۹: ۲۷). منظور از آنارشی اصل نظام‌بخشی است که با این مضمون که نظام بین‌الملل از واحدهای سیاسی مستقلی تشکیل شده که فاقد یک اقتدار مرکزی حاکم بر آنهاست (مرشایمر[2]، ۱۹۹۴).

در این نظریه توانایی و مقدورات کشورها به معنای مجموع و ترکیب قدرت مادی آنها شامل، ثروت، جمعیت، توسعه فناوری و اقتصادی و نیروی نظامی نقش تعیین‌کننده‌ای در رتبه کشورها در ساختار نظام بین‌الملل ایفا می‌کند. ساختار به معنای آرایش واحدها در نظام بین‌الملل است که براساس چگونگی توزیع قدرت بین آنها تعیین و تعریف می‌شود. این ساختار آنارشیک سه تأثیر عمده بر رفتار کشورها دارد. نخست، آنارشی باعث بی‌اعتمادی و سوءظن کشورها نسبت به یکدیگر می‌شود. دوم، در عرصه بین‌الملل سازوکاری به جز منافع خودپرستانه برای مجازات متجاوز وجود ندارد. چون نظام بین‌الملل خودیار است، هر کشوری باید به تنهایی امنیت خود را تأمین کند و اتحادها و پیمان‌های نظامی زودگذر و متغیر هستند. سوم، نظام بین‌الملل خودیار باعث بی‌اعتمادی کشورها به هم می‌شود (بن-اینتزهاک[3]، ۲۰۱۱: ۳۱۶).

اهمیت موازنه قوا برای والتز به حدی است که اگر قرار باشد برای سیاست بین‌الملل یک نظریه مشخص و متمایز وجود داشته باشد، این نظریه، نظریه موازنه قدرت است. اصل موازنه قوا مانع بر هم زدن توزیع توانایی‌ها به شیوه‌ای عمیق در امتداد واحدها می‌شود و مکانیسم اصلی ثبات در سیستم آنارشیک بین‌المللی است (محمدخانی، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۴). از نظر والتز موضوع توازن قوای منطقه‌ای از این جهت اهمیت دارد که قادر به کنترل منازعات و بحران‌های منطقه‌ای است. وی محور اصلی فرایندهایی نظیر جنگ و صلح را ناشی از چگونگی توازن قدرت بین بازیگرانی می‌داند که در محیط منطقه‌ای یا بین‌المللی رقابت می‌کنند (والتز[4]، ۱۳۸۲: ۸۷). پایه‌های تحلیلی نوواقع‌گرایی در توازن منطقه‌ای عبارتند از:

1. Waltz
2. Mearsheimer
3. Ben-Itzhak
4. Waltz

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

۱. در روند شکل‌گیری توازن منطقه‌ای، دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین کنشگر هستند.

۲. از آنجا توازن منطقه‌ای نیز در شرایط آنارشی شکل می‌گیرد، تمام دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت و امنیت خودشان باشند. لذا توازن منطقه‌ای بدون توجه به رویکرد کشورها برای تولید قدرت حاصل نمی‌شود.

۳. شکل دادن توازن منطقه‌ای نیازمند آن است که کشورها از ابزارهای متنوعی برای تولید قدرت استفاده کنند. تاکتیک‌های دفاعی و امنیتی در زمره مکانیسم‌هایی است که تووازن منطقه‌ای را حفظ می‌کنند. موضوعاتی همانند نمایش قدرت، افزایش قدرت و تولید اعتبار برای تأمین قدرت در زمره این موضوعات هستند. ضرورت‌های توازن منطقه‌ای ایجاب می‌کند که دولت‌ها بتوانند از قابلیت‌های خود برای ارتقای ثبات در شرایط رقابتی، همکاری‌جویانه و منازعه‌آمیز استفاده کنند. در مجموع از این دیدگاه مقتضیات ناشی از ساختار نظام بین‌الملل و نیز تمایل کشورها به حفظ و تقویت موازنه قدرت و صعود در هرم قدرت منطقه‌ای باعث می‌شود که آنها از ابزارهای مختلف سیاست خارجی در این جهت استفاده نمایند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

داعش؛ از ظهور تا سرنگونی

داعش یا دولت اسلامی عراق و شام بزرگ‌ترین اگرچه ریشه‌های فکری داعش به وهابیت و تعارضات آن با شیعه بازمی‌گردد، اما بستر سیاسی که داعش از آن برخاسته است، حاصل حمله آمریکا به عراق بوده است. حمله آمریکا به عراق که موجب سقوط صدام شد به همراه بهم‌ریختگی این کشور و وجود بحران‌های داخلی نظیر بحران مشروعیت، ضعف نظامی را می‌توان دلیل اصلی ایجاد نوعی مقاومت سنی در عراق در نظر گرفت. در این چارچوب گروه‌های جهادی که عمدتاً با هدف نبرد با آمریکا در این کشور شکل گرفتند، در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ م با رهبری ابومصعب الزرقاوی، سازمان القاعده در عراق را بنیان نهادند. این گروه در سال ۲۰۰۷ م عنوان خود را به دولت اسلامی عراق تغییر داد (ابراهیم نژاد و فرمانیان، ۱۳۹۳:۳۵).

گروه تروریستی دولت اسلامی عراق در سال ۲۰۱۱ م و هم زمان با جنگ داخلی در سوریه، مناطقی را در شمال شرق سوریه به تصرف خود درآورد و عنوان دولت اسلامی عراق و سوریه را برای خود برگزید. این گروه به دنبال ایجاد شکاف در گروه تروریستی

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

جبهه‌النصره که شاخه القاعده در سوریه محسوب می‌شود، اکثر نیروی انسانی و امکانات آن را تحت تصرف خود درآورد. داعش در ابتدای سال ۲۰۱۴ م قسمت‌هایی از شمال غربی و غرب عراق نظیر استان‌های الانبار، صلاح‌الدین و نینوا را تصرف کرد. در نوامبر همین سال ابوبکر البغدادی رهبر داعش خود را خلیفه مسلمانان خواند و توانست برخی از قبایل و نیروهای افراطی در عراق از جمله برخی از سران حزب منحله بعث را با خود همراه سازد (طلعت و شریف مرادی، ۱۳۹۵: ۲۶-۱۵).

در بررسی دلایل قدرت‌گیری سریع داعش می‌توان بیش از هر چیز به گسترش توسعه‌طلبی‌های این گروه در فضای آشفته سیاسی - نظامی دمشق اشاره کرد. به علاوه، داعش دارای عناصر قوی سیاسی (تلاش برای تشکیل دولت)، نظامی (بدست آوردن تجهیزات نظامی به ویژه با حمله به موصل در سال ۲۰۱۴ م)، ایدئولوژیک (بکارگیری حربه تکفیر برای طرد مخالفین) و اجتماعی (تلاش برای ایجاد ساختار اجتماعی مخصوص به خود) بوده است (رابی و مولر،[1] ۲۰۱۲: ۱). بدین ترتیب به فاصله اندکی از ظهور داعش در عراق در سال ۲۰۱۴ م دولت عراق با موجی از خشونت و ناآرامی‌ها در کشور مواجه گردید و عملاً کنترل مؤثر حکومت مرکزی بر نواحی غرب و شمال غرب کشور از دست رفت. در سوریه نیز داعش قسمت‌های عمده‌ای در مناطق دیرالزور، رقه، حمص، حما را در اختیار گرفت و تهدیدی فوری برای دمشق پایتخت سوریه محسوب می‌شد. در این چارچوب موضوعی که به پذیرش بیشتر داعش در سوریه منجر شد، حضور شبکه القاعده و ظهور گروه تروریستی جبهه‌النصره به رهبری ابومحمد الجولانی بود که به سرعت قدرت آن افزایش یافت. با اعلام بیعت جبهه‌النصره با شبکه القاعده، ابوبکر البغدادی در نهم ژوئیه سال ۲۰۱۳ م در پیامی صوتی رسماً موجودیت دولت اسلامی عراق و شام را اعلام کرد (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۷۷-۱۷۵).

برآمدن داعش به ویژه طی سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۴ م با ویژگی‌های منحصر به فردی در منطقه همراه بود. داعش را می‌توان تجلی تلاش‌های ناکام برای دولت‌سازی در نظر گرفت. داعش با اقداماتی همچون اجرای احکام مبتنی بر شریعت اسلامی، ایجاد نظام تفتیش عقاید خاص خود و ضرب سکه به سبک فرمانروایان دوره خلافت اسلامی، قصد احیای آنچه

1. Rabi, Uzi and Chelsi Mueller

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

دولت اسلامی می‌نامید را در سوریه و عراق را داشت. این گروه با استفاده از عدم مشروعیت دولت‌های سوریه و عراق و نارضایتی گروه‌های مختلف به ویژه سنی‌ها، نفوذ عمده‌ای در میان این گروه‌ها بدست آورد. تا حدی که بسیاری از گروه‌های سنی در غرب عراق در استان‌های صلاح‌الدین و انبار با ابوبکرالبغدادی رهبر پیشین داعش بیعت کردند (زمانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹–۱۱۸). نکته بارز در ابعاد اقتصادی داعش، توان این گروه در تصرف پالایشگاه‌های کلیدی و میدان‌های نفتی در شمال شرق سوریه و شمال عراق و مهم‌تر از آن ارتباط با دولت‌های خریدار انرژی بود. طبق گزارش اندیشکده رند[1] آمریکا داعش در اواسط سال ۲۰۱۶ م حدود ۶۰ درصد چاه‌های نفت سوریه و ۵ درصد چاه‌های نفت عراق را در اختیار خود داشته و توانست مقادیر زیادی نفت به کشورهایی نظیر ترکیه بفروشد (کلارک[2] و دیگران، ۲۰۱۷).

ویژگی دیگر داعش، بهره‌گیری از رسانه‌ها برای گسترش بیشتر افکار و ایدئولوژی خود بود. این ویژگی باعث شد تا ترکیب داعش به عنوان یک گروه تروریستی از نظر ملیتی و هویتی ناهمگون به نظر برسد و افراد در نقاط مختلف جهان خواهان پیوستن به داعش شوند. مهم‌ترین رسانه‌های داعش عبارتند از: شبکه‌های اجناد، الفرقان، الاعتصام، الحیات، مکاتب الولایات، رادیو البیان، شبکه الحیات و پایگاه اینترنتی دابق. داعش همچنین از شبکه‌های اجتماعی نظیر توئیتر، فیسبوک و یوتیوپ برای رسانه‌ای کردن اقدامات تروریستی خود به ویژه ایجاد رعب و وحشت استفاده فراوانی نموده است (زارعی، موسوی و غلامپور، ۱۳۹۷: ۱۹۱–۱۸۹). این گروه تروریستی همچنین موفق به جذب جنگجویان خارجی از ملیت‌های مختلف فرامنطقه‌ای نظیر فرانسه، انگلیس و ... شد. در سال ۲۰۱۴ تحقیقی روی ۲۰۳۲ تن از جنگجویان غربی نشان داد که آنها خواسته‌های انجام نشده متعددی از جمله انتقام، کین‌خواهی، شان، موقعیت و هویت برای تعریف خود دارند که جنگیدن در صفوف تکفیری‌ها این فرصت‌ها را برای آنان فراهم می‌کند (کریمی‌مله و گرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۷۳).

در مجموع داعش تا اواسط سال ۲۰۱۸ م مناطقی از شمال حلب در سوریه تا جنوب بغداد در عراق و شهرهای رقه در سوریه و موصل در عراق را در اختیار داشت؛ اما از سال ۲۰۱۸ م و به دنبال همکاری‌های گسترده ایران، سوریه و عراق و با حمایت‌های هوایی روسیه، داعش اکثریت غالب قلمرو و حاکمیت خود را در این مناطق از دست داده است. با این وجود،

1. RAND
2. Clark

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۸
سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

نکته مهم در اینجا این است که ظهور داعش و تحولات ژئوپلیتیک بعد از آن تأثیر عمده‌ای بر تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای برجای گذاشت و همین دلیل واکنش کشورهایی نظیر ایران و عربستان را در پی داشت.

رویکردهای عربستان و ایران در قبال داعش

ایران و عربستان به عنوان عمده‌ترین بازیگران منطقه‌ای در خاورمیانه هر یک منافع خاص خود را در سیاست خارجی دنبال می‌کنند. به همین ترتیب برآمدن داعش در این منطقه نیز رویکردهای مختلفی را از سوی این دو بازیگر در پی داشت. از نظر نگارنده آنچه از بررسی رویکرد عربستان در قبال داعش می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، در واقع استفاده عربستان از داعش به عنوان ابزاری در جهت تغییر موازنه قوای منطقه‌ای به نفع ریاض است. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد عربستان سعودی به ویژه طی یک دهه اخیر درگیر چرخه‌ای از ایجاد موازنه علیه ایران است که در مناطق مختلف همچون عراق، سوریه، لبنان، یمن و ... برقرار است. این موازنه همچنین موضوعات مختلفی همچون انرژی، توان ژئوپلیتیک، ایدئولوژی و مذهب و... را نیز شامل می‌شود. در این چارچوب، عربستان سعی می‌کند تا از موضوعات مختلف همچون ایدئولوژی و انرژی به عنوان ابزاری برای برقراری توازن علیه ایران استفاده کند.

در این چارچوب هر چند برخی معتقدند که ظهور داعش و اعلام خلافت از سوی این جریان به عنوان چالشی ایدئولوژیک و مشروعیتی در برابر حکومت عربستان محسوب می‌شد. اما نکته مهم برای عربستان استفاده ابزاری از این گروه برای ایجاد چالش برای ایران در منطقه است. به همین دلیل سعی کرده است تا سیاست خارجی تهاجمی با محوریت مقابله با ایران و جهان تشیع را برای اقناع وهابیت حاکم در سطح داخلی و متوجه ساختن آنها به گسترش نفوذ ایران بکار بگیرد (اسدی، ۱۳۹۵: ۱۲). در واقع علاوه بر وهابیت و تکفیر مخالفان که مهم‌ترین اولویت در شکل‌گیری و ادامه کنش منطقه‌ای داعش محسوب می‌شود و مرکز اصلی آن نیز فرقه وهابیت حاکم بر عربستان است، آنچه تحت عنوان حمایت عربستان از داعش مطرح است نیز برای تقویت توان تهدیدزایی داعش علیه ایران ارزیابی می‌شود. در واقع به نظر می‌رسد عربستان با درک منظومه فکری داعش که مقابله با ایران و تشیع را به عنوان هدف فوری در نظر گرفته است، بر آن بوده تا به صورت غیرمستقیم داعش را به عنوان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

حربه‌ای جهت مهار نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در منطقه مورد استفاده قرار دهد.

این رویکرد عربستان را می‌توان بخشی از سیاست خارجی تهاجمی عربستان که به دکترین سلمان معروف شده است نیز در نظر گرفت. مبنای شکل‌گیری این دکترین، جلوگیری از افزایش قدرت ایران در منطقه است. دکترین سلمان، ایران را علت اصلی بسیاری از مشکلات سیاسی و امنیتی در منطقه غرب آسیا می‌داند. به عبارتی این دکترین حاصل نیاز استراتژیک عربستان در وضعیت جدید منطقه است (نورعلی‌وند، ۱۳۹۶: ۲۲) و حمایت از گروه‌هایی نظیر داعش نیز در چارچوب چالش‌زایی برای ایران انجام می‌شود.

از طرف دیگر ایران به دلیل تهدید فوری داعش به دلیل سقوط پی در پی شهرهای عراق، اولین کشور منطقه‌ای بود که در پی مقابله و مهار داعش برآمد. به علاوه داعش با ایجاد مرزبندی افراطی فرقه‌ای بر محوریت وهابیت تکفیری در واقع در نقطه مقابل ایران قرار گرفت (اسمیت[1]، ۲۰۱۵). از طرف دیگر، رویکرد ایران در مقابله با داعش مبتنی بر موازنه قوای حاکم بر منطقه بود (هاموند[2]، ۲۰۱۳: ۲۶) به عبارت دیگر، تثبیت حوزه تحت تصرف داعش در عراق و سوریه، نابودی نفوذ منطقه‌ای ایران که از بیش از یک دهه قبل تاکنون بدست آمده است را در پی داشت. تثبیت داعش قدرت مسلط را از دست شیعیان در عراق و علویان در سوریه خارج می‌کرد و منجر به از دست رفتن این دو کشور از مدار ایران می‌شد. (آدمی و کشاورزمقدم، ۱۳۹۴: ۳).

از این گذشته حملات تروریستی داعش ژوئن ۲۰۱۷ م در ایران می‌رفت تا بحران را به داخل خاک ایران بکشاند و تمامیت ارضی ایران را تهدید کند. با این وجود حضور مستشاران نظامی ایران در عراق و سوریه در گام اول روند توسعه‌طلبی‌های داعش را متوقف ساخت. حضور گردان‌های فاطمیون، زینبیون و حیدریون که زیر نظر ایران تشکیل شده بودند و نیز الگوبرداری از نیروی مقاومت بسیج ایران در تشکیل حشدالشعبی در عراق و جیش‌الشعبی در سوریه در گام‌های بعدی الگوی تهاجمی داعش را روز به روز ضعیف‌تر کرد (کاپلتی[3]، ۲۰۱۸: ۷۸). علاوه بر این ایران مجموعه‌ای از راهبردها برای نابودی داعش به نمایش گذاشت. پررنگ‌ترین ابزار سیاست خارجی ایران در مقابله با داعش، حضور

1. Smith, S
2. Hammond, Andrew
3. Cappelletti,Cristin

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

میدانی و حمایت‌های نظامی و رهبری عملیات‌های ضدتروریستی برای عقب‌راندن داعش و کوچک‌تر شدن محدوده نفوذش بوده است. تدارک همکاری‌های منطقه‌ای و حضور مؤثر در نشست‌های ژنو و آستانه برای حمایت از دولت‌های عراق و سوریه اقدام دیگری از سوی ایران بود. این همکاری‌ها باعث شد تا داعش مراکز اصلی قدرت خود در عراق را از دست داد و در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ م به تدریج دایره نفوذ این گروه در سوریه به حداقل رسید (خسروی و زارعی، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

بازخوردهای شکست داعش بر ایران و عربستان

در دوره پس از سرنگونی گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه، جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان به عنوان دو بازیگر عمده منطقه‌ای با تغییر همراه شده است. سقوط داعش ابزارهای قدرت سخت و نرم عربستان را تحت تأثیر قرار داده است. در درجه نخست چنانچه در بخش قبل گفته شد، یکی از ابزارهای سیاست خارجی علیه نقش منطقه‌ای ایران را از دست داده است. در درجه دوم، گفتمان تکفیری که از سوی این کشور به عنوان بدیلی برای الگوی شیعی و اخوانی تبلیغ می‌شود، دچار شکست شده است. عربستان به ویژه در بحران سوریه، به دنبال ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه با اندیشه سلفی‌گری بوده است. امری که حاکی از تقابل ایدئولوژیکی است. در واقع، عربستان به عنوان حامل این گفتمان به دنبال بسترسازی برای ایجاد نوعی تنش مذهبی است. ریاض با نشان دادن تقابل شیعی و سنی و حمایت از اکثریت سنی در نظر داشت حمایت خود را اهل تسنن سوریه ابراز نموده و بدین وسیله الگوی سلفی مورد نظر خود را در برابر الگوی شیعی و اخوانی، بر این کشور مسلط کند (سلطانی‌نژاد، ابراهیمی و نجفی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). در درجه سوم نیز با سرنگونی داعش کارکرد عربستان در سیاست خارجی آمریکا از جهت نقش این کشور در بحران‌سازی و تصاعد بحران کاهش یافته است. اسلام‌گرایی سلفی به رهبری عربستان همواره بخشی از منازعه گسترش‌یابنده در اهداف راهبردی آمریکا بوده و واشنگتن سعی داشته است از طریق بحران‌سازی و تصاعد بحران، مانند سال‌های بعد از اشغال عراق از قابلیت ایدئولوژیکی عربستان در قالب بمب‌گذاری و عملیات انتحاری علیه شیعیان، برای کنترل قدرت منطقه‌ای ایران استفاده کند (متقی و پوستینچی، ۱۳۹۲).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

از طرف دیگر از بین رفتن داعش به عنوان تهدید منطقه‌ای برای ایران به تثبیت قدرت محور مقاومت و پذیرش توان بازدارندگی آن منجر شده است. در سال ۲۰۰۶ م در میانه جنگ رژیم صهیونیستی و حزب‌الله لبنان کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه وقت آمریکا گفت که جهان شاهد تولد خشم خاورمیانه جدید می‌باشد. تحت این شرایط نه تنها قدرت محور مقاومت کاهش نیافت (محسنی و کالیوت[1]، ۲۰۱۷: ۱) بلکه مقابله با داعش در قامت آزمونی مهم برای محور مقاومت متشکل از ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت عراقی از آنها نیروهایی منسجم و کارآمد در آینده تحولات خاورمیانه ساخته است (سولیوان[2]، ۲۰۱۴: ۵).

مبارزه با حضور داعش در عراق همچنین فرصتی را برای ایران فراهم کرد تا ضمن سازماندهی مقاومت گروه‌های شیعی در عراق از آنها در برابر داعش بهره گیرد. با توجه به شکست ارتش عراق در برابر داعش در موصل و کرکوک، پیروزی گروه‌های مقاومت از جمله الحشدالشعبی عراق بعد از فتوای جهادی آیت‌ا... سیستانی در مقابل داعش بر وجهه ایران عراق افزوده است. (عباس[3]، ۲۰۱۷: ۴). افزایش تعداد مدافعان حرم ایرانی در سوریه و عراق در مبارزه مستقیم با داعش در سوریه با بازسازی هویت انقلابی ایران، این موضوع را روشن ساخت که تغییر دولت‌ها خللی در گفتمان انقلابی ایران ایجاد نمی‌کند.

اولویت‌های ایران و عربستان در شرایط منطقه‌ای پساداعش

منطقه خاورمیانه پیش از ظهور داعش متأثر از بلوک‌بندی‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای در قالب طرفداران حفظ وضع موجود (قدرت‌های فرامنطقه‌ای و متحدین منطقه‌ای آنها) و طرفداران تغییر در وضع موجود بود. وقوع جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه و ایجاد چالش برای کشورهای طرفدار حفظ وضع موجود، موازنه قدرت را به سمت کشورهای گروه دوم به رهبری ایران تغییر داد. با ظهور داعش و فعالیت آن در سوریه و عراق نه تنها موازنه قدرت به سمت آمریکا و متحدین آن مانند عربستان تغییر نیافت، بلکه نابودی آن موجب ارتقاء سطح نقش منطقه‌ای ایران در خاورمیانه شده است. بر این اساس شرایط حاکم در قالب ایفای نقش

1. Mohseni, Payam and Hussein Kaout
2. Sullivan, Marisa
3. Abbas, Hassan

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

اصلی از سوی آمریکا و عربستان در حال تحول به شرایط جدید با محوریت ایران است. راهبرد اصلی ایران بر عدم حضور نیروهای فرامنطقه‌ای و شکل‌گیری الگوهای همکاری منطقه‌ای استوار است. اما عربستان از افزایش حضور آمریکا در منطقه و همکاری محدود میان اعراب بدون مشارکت ایران حمایت می‌کند. تحت این شرایط به نظر می‌رسد در قالب رویکردی با نگاه به آینده می‌توان دو الگو را در بررسی جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان لحاظ نمود: الگوی مبتنی بر تعامل و همکاری و الگوی رقابتی و منازعه‌محور.

۱- الگوی همکاری‌جویانه

الگوی همکاری‌جویانه در بررسی جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان مبتنی بر تعامل طرفین در امور منطقه‌ای است. در این الگو طرفین می‌توانند با کنار نهادن الگوی موازنه قدرت و افزایش رو به رشد قدرت، به حل و فصل مسائل مربوطه بپردازند. از این منظر، هر چند طرفین به دلیل بروز حوادث تاثیرگذار بر ژئوپلیتیک منطقه همچون مناقشات در سوریه، بحرین، یمن و عراق و تنش ایدئولوژیک، روابط سردی دارند؛ اما ایران و عربستان به دلیل جایگاهشان در منطقه و جهان اسلام، نمی‌توانند در تنش همیشگی به سر برند و این شرایط به ضرر هر دو کشور است. بنابراین، برای کاهش تنش میان دو کشور ابتدا باید به حل مناقشات منطقه‌ای پرداخت. همچنین حل این مناقشات بدون حضور هر دو کشور غیرممکن یا سخت است.

نکته دیگر در الگوی همکاری‌جویانه در تبیین جایگاه منطقه‌ای دو کشور، مذاکره مستقیم دو طرف است که می‌تواند در حل مناقشات منطقه‌ای مفید باشد. تداوم شرایط کنونی یعنی بازی با حاصل جمع صفر به نفع هیچ یک از دو کشور نیست و صرفاً به هزینه منابع بیشتر از سوی آنها برای باقیماندن در این رقابت ناسالم منجر می‌شود (بیات و اسلامی، ۱۳۹۷). از طرف دیگر، طرح‌های ارائه شده ایران از جمله «پیمان عدم تعرض» و «ابتکار صلح هرمز» که در سخنرانی حسن روحانی رئیس جمهور ایران در سال ۲۰۱۹ م در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شد، می‌تواند راهگشا باشد.

در این چارچوب یکی از اولویت‌های ایران و عربستان حضور در ترتیبات منطقه‌ای مشترک است. در این رابطه جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران در همایش «الگوی نظم منطقه‌ای در جهان پساداعش» در سال ۱۳۹۶ ش معتقد است: «حرکت از امنیت مبتنی بر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

حذف و ائتلاف به سمت امنیت شبکه‌ای و گفتمان امنیت‌سازی در منطقه برون‌رفت از معمای امنیتی منطقه خواهد بود. ما می‌توانیم مبانی امنیتی در منطقه و برای فرزندان‌مان ایجاد کنیم. اینکه فکر کنیم واقع‌گراییم و بر اساس این تفکر بخواهیم مطابق الگوهای قبلی حرکت کنیم، جنگ را در منطقه همچون گذشته نهادینه کرده‌ایم و این تفکری است که باید از آن عبور کنیم» (ظریف، ۱۳۹۶).

از این گذشته دو طرف می‌توانند بر مبنای اصول پذیرفته شده حقوق بین‌المللی همچون گفتگو و حل مسالمت‌آمیز اختلاف، احترام متقابل به منافع و حاکمیت برابر، عدم دخالت در امور داخلی هم یکدیگر، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر بهره گیرند. همکاری‌های کارکردی و فنی در مسائل منطقه‌ای که به جای مسائل امنیتی بر مسائل اقتصادی متمرکز است، می‌تواند زمینه‌های تنش‌زدایی را فراهم کند. یکی از موضوعات مهم در روند همکاری‌های طرفین تاکید بر نقش سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن است. روحانی در توضیح ابتکار صلح هرمز که از سوی ایران برای همکاری منطقه‌ای با کشورهای عربی ارائه کرد با تاکید بر نقش سازمان ملل گفت: «حضور سازمان ملل برای ایجاد یک چتر بین‌المللی در حمایت از ائتلاف امید نیز امری ضروری است» (روحانی، ۱۳۹۸). در مجموع در الگوی همکاری‌جویانه، جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان مبتنی بر همکاری مشترک در زمینه‌های مختلف منطقه است. این الگو مبتنی بر الزام حل مسائل فیمابین، مذاکره مستقیم، عمل در چارچوب قواعد پذیرفته شده حقوق بین‌الملل و ... است.

۲- الگوی رقابتی و منازعه‌محور

۲-۱-گزینه‌های عربستان

تداوم ائتلاف‌سازی:

ائتلاف‌سازی سیاست قدیمی عربستان در قبال ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در قالب‌هایی همچون شورای همکاری خلیج فارس در دهه ۱۹۸۰ م و ناتوی عربی یا ائتلاف به اصطلاح مبارزه با تروریسم در سال‌های اخیر است. عربستان با این اقدام سعی دارد اولاً مانع از شکل‌گیری و گسترش اتحادهای منطقه‌ای با محوریت ایران شود و غرب را وادار به حمایت از خود نماید. ثانیاً با استفاده از انزوای ایران، خود را رهبر جهان اسلام معرفی کند و

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

ثالثاً در صورت لزوم از حمایت متحدین منطقه‌ای خود آسوده خاطر باشد (صلواتیان، صالحی نجف‌آبادی و مرادی[1]، ۲۰۱۵: ۱۴۶). گرچه مسیر ائتلاف‌سازی علیه ایران برای عربستان هموار نیست، اما از آنجا که کشورهای عرب و منطقه شکست داعش را به معنای تقویت نفوذ ایران ارزیابی می‌کنند، به نظر می‌رسد همراهی با عربستان در ائتلاف‌سازی‌های آینده در دستور کار قرار گیرد.

استفاده از ابزار انرژی و فشار اقتصادی:

عربستان یکی از بزرگترین دارندگان ذخایر نفت در جهان با بیش از ۲۶۷ میلیارد بشکه نفت خام است (وب‌سایت اوپک[2]، ۲۰۲۰). عربستان ر راهبردی منسجم و هماهنگ با آمریکا، در سال ۲۰۱۱ تلاش کرد با ایجاد فضای تحریم نفتی علیه ایران، خلأ نفت ایران در اروپا و آسیا را جبران کند. کشورهای عربی خلیج فارس نیز در این راهبرد نقش‌آفرینی کردند. در فضای تحریم نفتی علیه ایران، عربستان که حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کرد، ظرفیت کلی خود را به حدود ۱۲ میلیون بشکه در روز رساند (ابوالحسن‌شیرازی، ۱۳۹۴: ۹۴). محمدبن‌سلمان ولیعهد عربستان در نشست آوریل سال ۲۰۱۶ م وزرای نفت اوپک در دوحه قطر در خصوص توان عربستان برای افزایش سقف تولید نفت بیان کرد: «ریاض می‌تواند تولید نفت را در کوتاه‌مدت به ۱۱/۵ میلیون بشکه، ظرف شش تا نه ماه به ۱۲ میلیون بشکه و در صورت سرمایه‌گذاری به ۲۰ میلیون بشکه برساند» (کمپ[3]، ۲۰۱۶). میزان تولید نفت خام عربستان در حال حاضر ۱۰,۳ میلیون بشکه در روز است که ۷,۳ میلیون بشکه از آن صادر می‌شود (وب‌سایت اوپک[4]، ۲۰۲۰). ریاض تلاش می‌کند با پرکردن خلأ ایران در بازار جهانی نفت همگام با «راهبرد فشار حداکثری علیه ایران»[5] علیه ایران حرکت کند.

گسترش رقابت تسلیحاتی:

یک رویکرد بارز عربستان برای مقابله با ایران، خریدهای تسلیحاتی بیشتر است. عربستان

1. Salavatian, Salehi-Najafabbadi, Moradi
2. OPEC
3. Kemp, John
4. OPEC
5. Maximum Pressure Strategy on Iran

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

در سال ۲۰۱۸ م با مجموع هزینه‌های نظامی ۶۷٫۶ میلیارد دلار، سومین کشور با بیشترین هزینه نظامی در جهان بود. این میزان حدود ۸٫۸ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بود. در حالی که سایر کشورها کمتر از چهار درصد تولید ناخالص داخلی را صرف هزینه‌های نظامی نمودند. بیشتر هزینه‌های نظامی ریاض طی ۲۰۱۹-۲۰۱۴ م برای نوسازی و تجهیز ناوگان دریایی و زمینی انجام شده و نمونه بارز آن قرارداد ۱۱۰ میلیارد دلاری خرید سلاح از آمریکا در سال ۲۰۱۶ م بود. آمریکا و انگلیس بیشترین واردکنندگان تسلیحات به عربستان هستند (سیپری[1]، ۲۰۱۹: ۵-۴). به نظر می‌رسد ریاض با گسترش رقابت تسلیحاتی سعی دارد ضمن سوق دادن درآمدهای ایران به سمت فعالیت‌های نظامی، سطح معمای امنیت در منطق ارتقاء دهد.

تلاش برای گسترش روابط با رژیم صهیونیستی:

به نظر می‌رسد اقدام دیگر عربستان در شرایط تداوم منازعه با ایران، گسترش روابط با رژیم صهیونیستی است. برای نسل جدید رهبران سعودی در قالب سیاست خارجی تهاجمی، بیش از همه مقابله با ایران در اولویت است. به همین دلیل ریاض در سال‌های اخیر به ویژه به دنبال جلوگیری از توانمندی هسته‌ای ایران و تبدیل آن به هژمونی منطقه‌ای در پی ایجاد روابط با رژیم صهیونیستی است (دیکل و گوزانسکی[2]، ۲۰۱۳: ۱). همراهی ریاض با طرح معامله قرن که در ژانویه ۲۰۲۰ م از سوی ترامپ ارائه شد و در آن تنها ۱۵ درصد از اراضی اشغالی ۱۹۴۶ م به دولت فلسطینی اختصاص داده شد و مابقی در اختیار رژیم صهیونیستی قرار گرفته است در همین چارچوب است.

ترویج اختلافات مذهبی و نژادی:

همان‌گونه که داعش الگویی برای ترویج خشونت‌های قومی و نژادی در بین همسایگان ایران بود، رقابت با ایران نیز باعث شده است که برای دستیابی به هدف خود یعنی تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران، تقابل عرب و عجم و هلال شیعی را برجسته نماید. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی نیز فضای حاکم بر هیئت حاکمه و نخبگان جدید تصمیم‌گیر سیاست خارجی این کشور نیز همچنان همین انگاره‌ها را بازتولید می‌کند.

1. SIPRI
2. Dickel and Gozansky

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

چندجانبه‌گرایی محدود:

یکی از اصول مورد نظر هیئت حاکمه جدید در عربستان در کنار همگرایی با آمریکا، چندجانبه‌گرایی محدود در سیاست خارجی است. مهم‌ترین دلایل این موضوع طرح رویکرد «نگاه به شرق» در سیاست خارجی آمریکا در دوره اوباما و تلاش برای ایجاد شکاف در بین کشورهای دوست ایران است. بن‌سلمان در سفر سال ۲۰۱۷ م به مسکو چندین میلیارد دلار قرارداد همکاری با روسیه به امضاء رساند. اداره کمک‌های فنی نظامی روسیه نیز اعلام کرد که سامانه دفاع موشکی اس-۴۰۰ [1] و سامانه‌های ضدهوایی کورنتای را در اختیار ریاض قرار می‌دهد (پورآخوندی، ۱۳۹۷: ۱۷). عربستان و روسیه در زمینه انرژی به ویژه در قالب اوپک پلاس نیز در حال همکاری هستند. دو کشور در سفر ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه به عربستان در اواخر ۲۰۱۹ م بیش از ۳۰ توافقنامه در زمینه‌های مختلف امضا کردند. علاوه بر روسیه، گسترش روابط با چین نیز در دستور کار عربستان قرار دارد. سفر بن‌سلمان به چین در سال ۲۰۱۹ م زمینه ارتقاء روابط دو کشور را فراهم کرد. علاوه بر همکاری‌های دوجانبه حضور فعال عربستان در پاکستان و حمایت از کریدور اقتصادی چین-پاکستان برای تقویت بندر گوادر در مقابل بندر چابهار ایران، نمونه دیگر همکاری ریاض-پکن است (سدقویی[2]، ۲۰۱۹).

۲-۲-گزینه های ایران

تقویت قدرت نفوذ منطقه‌ای:

اصلی‌ترین گزینه ایران در الگوی رقابتی با عربستان، تلاش برای ارتقاء بیش از پیش قدرت منطقه‌ای است. یکی از ویژگی‌های شکست داعش برای ایران، ارتقاء موقعیت و قدرت ایران است. در طول یک دهه گذشته با تغییر توازن قدرت در منطقه، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های مشخص‌کننده جایگاه کشورها در آینده منطقه، ضریب نفوذ است. ضریب نفوذ به‌عنوان مؤلفه اثرگذاری دولت‌ها، به معنای کوشش قدرت‌های منطقه‌ای برای وادارساختن سایر دولت‌ها به ادامه عمل یا سیاستی در راستای منافع خود تعریف می‌شود. مساله ضریب نفوذ ایران به عنوان یکی از ابزارهای قدرت در یک دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته و بر گسترش نفوذ

1. S400
2. Siddiqui

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

منطقه‌ای ایران تاکید می‌شود (روحی دهبنه و مرادی کلارده، ۱۳۹۴). نفوذ ایران در خاورمیانه اساساً به مثابه یک پل زمینی یا مسیر دریایی انگاشته می‌شود که از عراق تا سوریه و لبنان امتداد دارد. ایران شبکه‌ای از گروه‌های تحت حمایت خود را دارد. بیشتر گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در منطقه با تهران متحد هستند که می‌توان از آنها در رقابت با عربستان استفاده نمود. این نفوذ از زمان شکست داعش افزایش یافته است، زیرا گروه‌های تحت حمایت ایران در مناطقی که از تصرف داعش آزاد شده‌اند مانند البوکمال در مرز سوریه و عراق ریشه دوانده‌اند (فرانتزمن، ۱۳۹۸).

افزایش توان بازدارندگی:

در یک فضای رقابتی و مبتنی بر موازنه قدرت، ایران مانند هر کشور دیگری تلاش می‌کند تا توان دفاعی خود را افزایش دهد. افزایش توان بازدارنده مبتنی بر تهدیداتی است که همچون پایگاه‌ها و تسلیحات آمریکایی مستقر در کشورهای عربی و تهدید گروه‌های تروریستی علیه ایران در منطقه وجود دارد. هزینه‌های نظامی ایران بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۵ م حدود ۲۵ درصد افزایش و در سال ۲۰۱۸ م، ۹,۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد. ایران توانایی تولید و توسعه تسلیحاتی چون موشک‌های بالستیک، کروز و انواع پهپاد را دارد. هر چند طبق قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل خرید سلاح از سوی ایران را سال ۲۰۱۰ م به مدت یک دهه محدود کرده است، اما این محدودیت‌ها در پایان سال ۲۰۲۰ م پایان می‌یابد و ایران می‌تواند به تسلیحات نوین دست یابد (سیپری[1]، ۲۰۱۹: ۲).

تاکید بر راهبرد خروج قدرت‌های فرامنطقه‌ای:

به نظر می‌رسد که راهبرد اصولی ایران در جهت تاکید بر خروج دولت‌های فرامنطقه‌ای از خاورمیانه بیش از زمانی، در دوره کنونی می‌تواند مثمر ثمر باشد. رویکرد ایران مبتنی بر لزوم گذار به امنیت درون‌زا و در همکاری با کشورهای منطقه‌ای می‌تواند تکرار مجدد ظهور اندیشه‌های افراطی را کاهش دهد و نیز در راه مشروعیت‌زدایی از دلایل حضور آمریکا و دولت‌های اروپایی همچون فرانسه و انگلیس مؤثر باشد.

1. SIPRI

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

تلاش برای تاثیرگذاری و شکل‌دهی به ترتیبات منطقه‌ای:

در شرایط کنونی هیچ یک از رقبای منطقه‌ای ایران در منطقه صاحب چنان قدرت بلامنازعی نیستند که مناطق پیرامونی ایران را تحت سیطره درآورند. از خلال برابری نسبی در پتانسیل‌های قدرت ملی، ایران می‌تواند در سال‌های آینده در ساختن ترتیبات منظم منطقه‌ای نقش ایفا کند (حسینی، ۱۳۹۷). جواد ظریف در این باره معتقد است: باید به دنبال نظمی جدید بر پایه قدرت و هژمونی‌ای جدید بود و بر اساس آن نسخه‌ای ارائه کرد. نظم جدید نتیجه و برآیندی است از آنچه در منطقه انجام می‌دهیم. اگر بپذیریم که جهان پساغربی است و در رفتار هم آن را بپذیریم که ما کنشگریم، نه موضوع کنش، می‌توانیم تأثیرگذار باشیم ... روش عملیاتی در منطقه مبتنی بر خرید امنیت است و ما باید در این دام نیفتیم و طرح جدیدی رقم بزنیم. جمهوری اسلامی ایران خود باید طراح امنیت باشد و امنیت باید تغییرات ماهوی بیابد (ظریف، ۱۳۹۶).

همکاری با قدرت‌های بزرگ غیرغربی:

ایران در راستای حفظ توازن قوا خواستار مشارکت قدرت‌هایی مانند روسیه و چین در برقراری امنیت به ویژه در منطقه خلیج فارس است. این الگو به عنوان رقیب الگوی آمریکایی امنیت منطقه‌ای در قالب تجهیز کشورهای عربی منطقه در کنار حضور مستقیم نظامی مطرح است. در این صورت حضور و مشارکت ایران در فرایند تحولات امنیتی در منطقه افزایش می‌یابد. رزمایش دریایی سه‌جانبه ایران، چین و روسیه در خلیج فارس با عنوان «کمربند امنیت دریایی» در دی ماه ۱۳۹۸ ش مثال بارز این رویکرد است.

استفاده از واگرایی در صفوف عربستان و متحدانش:

تا پیش از تشکیل داعش کشورهای عرب منطقه در جبهه واحدی علیه ایران قرار داشتند و در چارچوب موضوع هسته‌ای ایران خواهان افزایش فشار بر تهران بودند. در جریان مبارزه با داعش ایران توانست به خوبی از شکاف بین عربستان و قطر استفاده نموده و این کشور را به سوی خود جذب کند. حمایت‌های ایران از قطر در جریان تحریم‌های این کشور از سوی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

عربستان، امارات، بحرین و مصر نقش موثری در این رخداد ایفا کرد (شکیر[1]، ۲۰۱۸). شکاف بین عربستان قطر عملاً گروه داعش را از حمایت‌های مالی این دو کشور محروم کرد و راه را برای پیروزی‌های ایران و جبهه مقاومت علیه داعش هموار ساخت.

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

1. Shaker

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری گروه تروریستی داعش و گسترش آن در عراق و سوریه یکی از مهم‌ترین بحران‌های خاورمیانه در یک دهه اخیر است. این گروه طی سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۴ بخش‌های مختلفی را از کشورهای عراق و سوریه را در اختیار گرفت. شکل‌گیری داعش با تاثیرات مختلف در سیاست خارجی کشورهای منطقه از جمله ایران و عربستان همراه بود. از طرفی ایران با ارزیابی داعش به عنوان تهدید به مقابله با آن پرداخت و از سوی دیگر نیز به نظر می‌رسد عربستان به دلیل رویکردهای ضدایرانی داعش و نیز تهدیدات این گروه علیه ایران، سعی کرد از داعش به عنوان یک ابزار سیاست خارجی در جهت تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای علیه ایران استفاده کند. بر این اساس در شرایط بعد از سقوط داعش، هدف اصلی این نوشتار بررسی جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان در دوره پساداعش است و این سؤال اصلی را مطرح نمود که سقوط داعش چه تاثیری بر جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان داشته و مهم‌ترین الزامات دو کشور در شرایط پس از سقوط داعش چیست؟ از نظر نویسنده رویکرد ایران و عربستان در قبال داعش مبتنی بر تهدیدها و منافع این گروه بوده است. تثبیت قلمرو داعش در عراق و سوریه می‌توانست به نابودی نفوذ منطقه‌ای ایران منجر شود. به همین دلیل ایران با ارزیابی داعش به عنوان تهدید فوری، اولین کشور منطقه‌ای بود که مبارزه علیه داعش را آغاز نمود. این رویکرد ایران با سقوط داعش با تثبیت قدرت محور مقاومت و توان بازدارندگی ایران همراه است. از طرف دیگر به نظر می‌رسد عربستان رویکردی ابزاری را در قبال داعش به عنوان یک ابزار سیاست خارجی در جهت تغییر موازنه قوای منطقه‌ای به نفع ریاض داشته است. از سوی دیگر، عربستان به عنوان سرمنشأ وهابیت و تکفیر مخالفان به عنوان مهم‌ترین اولویت کنش منطقه‌ای داعش به حساب می‌آید. بر همین اساس با شکست داعش، عربستان یکی از ابزارهای سیاست خارجی علیه نقش منطقه‌ای ایران را از دست داده است. در شرایط پس از سقوط داعش، ایران و عربستان هر یک راهبردهای جداگانه‌ای را در نظم منطقه‌ای در نظر دارند. از یک طرف عربستان از افزایش حضور آمریکا در منطقه و همکاری‌های منطقه‌ای بدون مشارکت ایران حمایت می‌کند در حالی که ایران خواستار عدم حضور نیروهای فرامنطقه‌ای و شکل‌گیری الگوهای همکاری منطقه‌ای است. در این شرایط در بررسی جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان می‌توان دو الگوی همکاری‌جویانه و رقابتی- منازعه‌محور را در نظر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

گرفت. الگوی مبتنی بر همکاری بین دو کشور مستلزم کاهش قابل توجهی از شرایط موازنه قدرت و گذر از شرایط بازی با حاصل جمع صفر است. در این الگو مهم‌ترین مؤلفه مؤثر بر رفتار منطقه‌ای دو کشور مبتنی بر الزام حل مسائل فیمابین است. مذاکره مستقیم، حل و فصل مناقشات منطقه‌ای، حضور ترتیبات منطقه‌ای مشترک، عمل در چارچوب قواعد پذیرفته شده حقوق بین‌الملل و بهره‌گیری از نقش سازنده سازمان ملل کاهش تنش در قالب این الگو مورد توجه قرار دارد. الگوی رقابتی–منازعه‌محور جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان را در قالب افزایش ابزارهای قدرت دو کشور برای حفظ موازنه قوای منطقه‌ای ارزیابی می‌کند. در این شرایط دو کشور سعی می‌کنند با بکارگیری گزینه‌های مختلف به افزایش نفوذ منطقه‌ای و مقابله با رقیب بپردازند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین گزینه‌های عربستان در این روند تداوم سیاست ائتلاف‌سازی علیه ایران، استفاده از ابزار انرژی و فشار اقتصادی برای مقابله با ایران، گسترش رقابت تسلیحاتی، تلاش برای گسترش روابط با رژیم صهیونیستی، ترویج اختلافات مذهبی و نژادی و چندجانبه‌گرایی محدود است. در طرف دیگر به نظر می‌رسد در شرایط رقابتی، ایران نیز به تقویت قدرت نفوذ منطقه‌ای، افزایش توان بازدارندگی، تاکید بر راهبرد خروج قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تلاش برای تاثیرگذاری و شکل‌دهی به ترتیبات منطقه‌ای، همکاری با قدرت‌های بزرگ غیرغربی، استفاده از واگرایی در صفوف عربستان و متحدانش متوسل می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

منابع

۱- فارسی

آدمی، علی و کشاورزمقدم، الهام، (۱۳۹۴)، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره ۱۴.

ابوالحسن‌شیرازی، حبیب‌الله، (۱۳۹۴)، «میزان‌سنجی تأثیر عنصر رقابت بر جنگ‌های نیابتی ایران و عربستان»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره اول، بهار.

اسدی، علی‌اکبر، (۱۳۹۵)، «سیاست خارجی تهاجمی و سیاست داخلی عربستان»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال هشتم، شماره اول.

بیات، جلیل و محسن اسلامی، (۱۳۹۷)، «ایران–عربستان؛ طرح الگوی تنش‌زدایی با محوریت مناقشات منطقه‌ای»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره هشتم، شماره ۲۸.

پورآخوندی، نادر، (۱۳۹۷)، «تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، شماره ۳۶، پاییز.

حسینی، دیاکو، (۱۳۹۷)، «بازگشت به موازنه و خویشتن‌داری در سیاست منطقه‌ای لازم است؛ عوامل مؤثر در قدرت او شدن منطقه‌ای ایران»، دسترسی در لینک زیر: http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/.

حق‌پرست، سعید (۱۳۹۵)، *داعش و چالش‌های تروریستی در خاورمیانه*، تهران: نشر هیمه.

خسروی، عبدالصمد و زارعی، غفار، (۱۳۹۸)، «جایگاه داعش در امنیتی شدن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس در خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال نهم، شماره دوم.

دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، (۱۳۷۶)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.

رحمدل، رضا، سیمبر، رضا و جانسیز، احمد، (۱۳۹۸)، «تحلیل ساختارگرایانه منازعه ایران – عربستان»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، شماره ۳۰، بهار.

رستمی، محسن، فرجی‌راد، عبدالرضا و سرور، رحیم (۱۳۹۵)، «سناریوهای محتمل در آینده‌پژوهی روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه عربی در بازه زمانی ۱۴۰۴»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۷۹–۱۰۰.

روحانی، حسن، (۱۳۹۸)، سخنرانی در سازمان ملل متحد، سوم مهرماه، قابل دسترسی در لینک زیر: https://tabnakjavan.com/fa/news/۹۷۰۳.

روحی دهبنه، مجید و مرادی کلارده، سجاد، (۱۳۹۴)، «نقش افزایش قدرت منطقه‌ای ایران در سیاست‌گذاری‌های شورای همکاری خلیج فارس: ۲۰۱۵–۲۰۰۵»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره نخست، شماره ۱۸، زمستان.

زارعی، غفار، موسوی، محمد و غلامپور، مجید، (۱۳۹۷)، «واکاوی شکل‌گیری داعش از منظر تروریسم

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

پسامدرن»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان.
زمانی، قاسم، (۱۳۹۴)، «ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، سال اول، شماره اول.
ذوالفقاری، مهدی و عمرانی، ابوذر، (۱۳۹۶)، «تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، شماره دوم.
سلطانی‌نژاد، احمد، ابراهیمی، نبی‌اله و نجفی، مصطفی، (۱۳۹۵)، «منافع و ملاحظات قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار.
شکوهی، سعید (۱۳۹۵)، «نقش برداشت‌های نخبگان درتنش میان روابط ایران وعربستان سعودی»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره پنجم، شماره چهارم، صص ۳۹-۶۳.
طلعت، آرمین و شریف‌مرادی، مینا، (۱۳۹۵)، *داعش در ترازوی حقوق بین‌الملل*، تهران: نشر خرسندی.
ظریف، جواد، (۱۳۹۶)، «سخنرانی در همایش بین‌المللی الگوی نظم منطقه‌ای در جهان پساداعش»، تهران: دانشکده مطالعات جهان، ۰۵ اسفند.
فرانتزمن، ست‌جی، (۱۳۹۸)، «مثلث قدرت ایران در خاورمیانه؛ تهدیدی برای ایالات متحده و اسرائیل»، *وب‌سایت هیل*، ترجمه طلا تسلیمی، دسترسی در لینک زیر: http://www.irdiplomacy.ir/fa/۱۹۸۶۱۳۵/news/.
فرمانیان، مهدی و محمد ابراهیم‌نژاد (۱۳۹۳)، *داعش بررسی انتقادی تاریخ و افکار*، قم: دارالاعلام مدرسه اهل بیت.
کریمی‌مله، علی و گرشاسبی، رضا، (۱۳۹۴)، «بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره اول، بهار.
کلارک، کلین، جکسون، کیمبرلی، جانسون، پاتریک، رابینسون، اریک و شاتز، هاوارد، (۲۰۱۷)، «آینده‌های مالی حکومت اسلامی عراق و شام»، اندیشکده رند، ترجمه مجتبی خادمی و جواد عرب‌یارمحمدی، تهران: *مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری*.
متقی، ابراهیم و پوستینچی، زهره، (۱۳۹۰)، «جنگ سرد منطقه‌ای و معادله جابجایی قدرت در سوریه»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره اول، شماره اول.
محمدخانی، علیرضا، (۱۳۸۸)، «تبیین رویکرد نوواقع‌گرایی در روابط بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، دوره اول، شماره سوم.
محمدی، احسانه و حاجی‌یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۹۷)، «هویت، قدرت و امنیت؛ جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعوی»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۴۲، بهار.
مورگنتا، هانس، (۱۳۷۴)، *سیاست میان ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر وزارت خارجه.
نورعلی‌وند، یاسر، (۱۳۹۶)، «عربستان سعودی و تلاش برای موازنه‌سازی مجدد در برابر ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۲۰، شماره اول، بهار.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

والتز، کنت، (۱۳۸۲)، *واقع‌گرایی ساختاری پس از جنگ سرد*، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

۲- انگلیسی

Abbas, Hassan (2017), "The Myth and Reality of Iraq's al Hashd Al-Shaabi (Popular Mobilization Forces): A Way Forward", Policy Paper: Fredricch-Ebert-Stiftung Joradn & Iraq, Sptember 2017, Available at: http://library.fes.de/pdf-files/bueros/amman/13689.pdf

Ben- Itzhak, Steven (2011), Realism and Neorealism, in John T. Ishiyama and Marijke Breuning, eds., 21st Century Political Science: A Reference Handbook, Los Angeles: Sage

Cappelletti, Cristin (2018), "Dynamics of The Iranian Role in the Syrian Civil War", A thesis Submitted to the Graduate School of Social Sciences of Middle East Technical University, April 2018, Turkey.

Dekel, Udi and Yoel Guzansky (2013), "Israel and Saudi Arabia: Is the Enemy of My Enemy My Friend?", Insight, No 500.

Hammond, Andrew, (2013), "Saudi Arabia: Cultivating sectarian Spaces", in The Gulf and Sectarianism, European Council on Foreign Relations, November 2013, Available at: https://www.ecfr.eu/page/-/ECFR91_GULF_ANALYSIS_AW.pdf

Kemp, John (2016), "Saudi Arabia Turns Oil Weapon on Iran", The Reuters, 18 April 2016, Available at: https://www.reuters.com/article/us-oil-meeting-kemp-idUSKCN0XF2AR

Mearsheimer, John, (1994), The False Promise OF International Institutions, International Security, Vol 19, No 3.

Mohseni, Payam and Hussein Kaout (2017), "Iran Axis of Resistance Rises", Foreign Affairs, 24 January 2017, Available at: https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2017-01-24/irans-axis-resistance-rises.

OPEC, (2020), Saudi Arabia Facts and Figures, availableat: https://www.opec.org/opecweb/en/aboutus/169.htm

Rabi, Uzi and Chelsi Mueller (2012), "Saudi Arabia, Qatar and the Syrian Uprising", 10 September, Available at:www.listserv.tau.ac.il/

Salavatian, Hossein, Abbas Salehi Najafabbadi, Jahanbakhsh Moradi, (2015), "Iran and Saudi Arabia: The Dilemma of Security the balance of threat", Journal of Scientific

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]

Research and Development, Vol 2, No 2, pp 141-149

Shaker, Romany (2018), "Iran's Relationship with Qatar could be Polarizing", Arab News, 2 February, Available at: http://www.arabnews.com/node/1238206/column.

Siddiqui, Sabena, (2019), Why Saudi Arabia Joining CPEC Matters, the Diplomat, February 02, available at: https://thediplomat.com/2019/02/why-saudi-arabia-joining-cpec-matters/

SIPRI, (2019), Military Spending and Arms Imports by Iran, Saudi Arabia, Qatar and the UAE, SIPRI fact Sheet, May.

Smith, S. (2015), "ISIS and the sectarian conflict in the middle east", Research Paper, 19 March 2015, Available at: www.researchbriefings.files.parliament.uk /documents / RP15-16/RP15-16

Sullivan, Marisa (2014), "Hezbollah in Syria", Middle East Security Report 19, The Institute for the Study of War, April.

Waltz, Kenneth, (1979), Theory of International Politics, New York: Random House.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۱۰۱

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

نویدی نیا، فرزاد؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۹)، «جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان در دوره پساداعش» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۰، ش۱، بهار ۹۹، صص ۲۶-۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2]